

میباشد هوا و قیبه که گرم میشود تابش آفتاب در گرمایشن زارینا بر این که حرارت  
 هوا را متخلخل و منبسط میسازد و برودت برخلاف متکاثف میکند هوا را منبسط  
 ساختن امواج هوای منبسط شده هر قدر دورتر میروند قوت آنها بیشتر میشود  
 و خنکی باد وقتی که بصحرای جاجرم و چارده و بجنورد میرسد از اینست که از کوهها  
 جنگلی عبور کرده و از اراضی که بالشبه مرتفع است گذشتن چنانکه انبساط  
 اثرک در احوال مثل کوه نپه و عشق آباد و غیره این باد در کمال گرمی میوزد و مؤثرند  
 اینمطلب آنکه صبح تا نزدیک ظهر بهیچوجه باد نیست زیرا که برودت هوای شب  
 هنوز باقیست و هوای فراغوم راهنوز متخلخل نکرده است و از ظهر بعد باد  
 شدت هرچه تمامتر میوزد دلیل دیگر آنکه اهالی جاجرم و چارده گویند این باد را  
 در شش ماه از سال بیشترند از ۴ ماه دوم بهار تا ماه دوم پائیز و این ماهها نیست  
 که گرمست در ماههای سرد هیچ باد نیست بالجمله فریضه خراشاد و پست ذرع از طرف  
 پست تراست از خراشاک حرکت کردند بچار بید میروند و فریضه یا چهار فرسخ مسافت  
 دارد راه ابتدا از شمال بجنوبست و پس از طی مسافتی قلیل در طرف دست چپ  
 راه قلعه خرابه پست که آنرا قلعه نومینا مند بعد از آن داخل دهنت میشوند که از کوه  
 صعلوک و کوه بهار تشکیل یافته از دهنت که خارج شدند فریضه گرفت با جرف در دهنت  
 کوه بهار دیده میشود آب بنفریه از چشمه و سکنه آن دو پست خانوار و رود شوقان  
 نیز از ارضی مزرعه بنفریه میگذرد قدری که از اینجا گذشتند باز کوه صعلوک  
 و کوه بهار بهم نزدیک شده و فریضه در دامنه کوه صعلوک بنظر میآید که از آن در بند  
 میگویند سکنه این قلعه تقریباً چهل خانوار و باغستان که دارد از در بند گذشتن

راه از مغرب بمشرق مایل و میسند میگردد و پس از طی مسافتی در طرف دست چپ  
 بقعر است که بعضی از مردم این ناحیه را مانزاده ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام  
 در این بقعه مدفونست در پهلوئی اما مانزاده شیخ مرتضی است و آثار قلعه خرابه در  
 روی شیخ نمودار میباشد در طرف غربی نل مذکور چشمه است که هشت نرسنگ  
 ابازان جاری و بدو مابین کوه صعلوک و کوه بهار میزند و بسطی حرف میبرد اینجا  
 ابتدای جلگه شوغانست که از جنوب بکوه صعلوک و از شمال بکوه الاداغ محدودست  
 در اینجا که چند باد است یکی فزیه جوشقان که در دست چپ راه در دامنه الاداغ  
 واقع شده دیگر فزیه پشوان که آن نیز در همین طرفست پس از آن فزیه دو برجی و فزیه بام  
 و فزیه جعدار و فزیه توزه که در طرف همین راه و در دامنه کوه صعلوک است دیگر  
 فزیه شوغان که در طرف بسیار راه واقع و با اسم جلگه معروفست و از اینجا جلگه تنک و  
 مثل دزه شده و منتهی بقریه محمد آباد میگردد که آن نیز در طرف دست چپ راه است  
 فزیه چهاربید چهل خانوار سکنه دارد که از اگراد شاد لوم میباشد قلعه قدیمی دارد  
 و در بیرون قلعه هم خانها و انبارها ساخته اند ارتفاع چاربید از طهران دو پست و  
 پنجاه ذرعست از چاربید بقریه فزیه میوزده میروند و راه پنجه مرغ است بعضی اوقات  
 قوافل بکسره میجورند و در هر حال شخص بعد از آنکه از مزارع چاربید خارج  
 شد از میان تنگه که از نلال کوه صعلوک و کوه الاداغ تشکیل یافته میگردد و در نزدیکی  
 تنگه سر مرغ است موسوم بحصار و گلی و کلانه شیرین و در اینجاها نژاد بره  
 دیده میشود و کوهها درخت آوین دارد و چون پنجه مرغ از دهنه تنگه مسطور گذشتند  
 بکریه صعود میکنند که موسوم بنخشک زو میباشد (ز و بمعنی دره است) همینکه

نیم فرسخ بالا رفتند بطحّه میرسند که معروف بتخت خانست و تخنه باشقوی و چشمه  
 در اینجا است که از چشمه خان میگویند قدریکه از اینجاها گذشتند بعضی آبادیها  
 دامنه کوه صعلوک که در طرف دست راست راه است از دور دیده میشود و آن آبادیها  
 موسوم بگرگان و حصار شاهوردیخان و رخساران و نپستان است و این فراتر از چشمه  
 عزالطف است که از پایه کوه صعلوک جاری و تشریب آید و ابتدای جریان چهار سنگ  
 آب دارد و از جنوب بطرف شمال شرقی روانست <sup>بعضی گویند</sup> عزالطف در اصل عزاللطیف بود  
 از کثرت استعمال عزالطف شده است این آب بفرورنده آمده و بطرف بجنورد میرود  
 قدری دیگر که طی مسافت شدیده تنگی میرسند که عرض آن باختلاف مکان از چنانجا  
 ذرع الی ده ذرعست و زیاده از صد پیچ و خم دارد تا بقریه فیروزه میرسد فیروزه  
 ده که ایستادارای باغات زیاد و دو بیت خانوار سکنه و مسجد و حسینیه و  
 اهالی کردشادلو هستند که زبان آنها ترکی است برلشهمی در اینجا بعل میاید تقریباً یکصد  
 ذرع فیروزه پست تر از طهرالنت و کمتر از دو فرسخ که از اینجا بطرف مسافت نمایند بجنورد  
 میرسند و خط راه در طرف شمالی جلگه واقع و رشته کوه صعلوک در طرف جنوب  
 جلگه و سلسله کوه الاداغ در طرف شمالست در طرفین راه بعضی فرا و فلاح است که  
 اسامی آنها از اینهاست فلعه کچلائی فلعه محمدخان فتره منرانلو فلعه فلجانلو  
 کلانه لاهان فلعه نیه فلعه فبرانلو فلعه فزایشلو فتره شاه پسند فلعه  
 اللوردیخان حصار شریعلی بیگ فلعه عزیز و کلانه اینها فرا و فلاح دارای باغستان  
 و آب آنها از رودخانه است که از چشمه عزالطف جاری شده است اما شهر بجنورد که  
 در نوشتجات و کتب برنجیر مینویسند در جلگه واقع شده که طول آن از شمال غربی بشرق

تقریباً دو فرسخ و عرض از قریب بکفر سیخ جمعیت آن کثر از ده هزار نفر و دارای پانصد  
 شصت باب دکان و شش مسجد و هفت حمام و یازده محله و چهار دروازه است  
 جلگه که بجنورد در آن واقع شده طول آن از مغرب و شمال غربی بطرف مشرق امتداد  
 یافته است و مسافت آن تقریباً دو فرسخ میشود عرض جلگه از نیم فرسخ الی بکفر سیخست  
 و این عرض و طول بملاحظه فلاسث و اگر جبال ملحوظ باشد طول جلگه از جنوب  
 بشمال و سه فرسخست و عرض از مشرق بمغرب بود و فرسخ میباشد کوه آلا داغ و  
 صعلوک در جنوب جلگه و کوه سپاهان در جنوب شرقی و کوه پلپس در مشرق مابل  
 بجنوب و کوه او مشهد در طرف مشرق و مشرق مابل بشمال و کوه باباموسی در سمت  
 شمالست که هم بجانب مشرق و هم بطرف مغرب مابلست کوه آخر و کله دارد در مغرب  
 مابل بشمال و کوه خان بلاغ پاخان بالغ طرف مغرب و مغرب مابل بجنوب میباشد شهر  
 بجنورد در طرف شمال و شمال غربی جلگه واقع شده و فرای دیده در ظاهر این جلگه  
 در اطراف شهر بنظر میرسد که ذکر آنها بابت ذراعت جلگه بجنورد از اب رودخانه  
 غیر اللطف سپراب میگردد باین معنی که رود غیر اللطف محاذی قنبر شاپسند  
 دو قسمت شده قسمتی بطرف شمالی دره مبل نموده بقاعه الهوپرد بچنان آمده از آنجا  
 بمصار در قنبر افوازا نجا باسپاهای معروف بحلقه سنک و از قاعه حلقه سنک که  
 پنج شش خانوار آبادی دارد عبور کرده باسپاهای ملکر و قازمه و حصا شر علی بیک  
 جا ریشده داخل جاگه میشود پیشتر بجای ایزاب نهر پیشین بوده لیکن چند بیت که  
 نهر جدیدی حفر کرده اند که بجای حالت قنبری از اب غیر اللطف است و باغستان  
 جنوبی و منازع اطراف آنرا با منازع جانب جنوب غربی و سمت مغرب و شمال جلگه را

سپراب میکنند بعبارة اخری تمام ابراب در اینجا که هم صرف زراعت میسرند فتمت  
دیگر اب عین اللطیف از فریة شاپسند بطرف مشرق جریار یافتند از دهنه جنوب  
شرق جلگه بجنورد داخل اینجا که شده و از طرف شرق جلگه جاری گشته از دهنه مشرق  
شمالی از کار قلعه حسنعلخان که خط راه فریة بابا امانت میکند رد و از محاذی بابا امان  
بسمت شمال غربی میل نموده از دهنه فاروق وارد جلگه جریار بخوان که عوام انرا کرمخوان  
گویند میشود و آب فریة مهنان که فیما بین فیروزه و بجنورد و از خط راه دور است داخل  
رودخانه عین اللطیف میگردد نیز از مپا بجنورد اب سملقانست و فریة سملقان از  
فرای بجنورد و در مغرب ان واقع شده سرچشمه اب مذکور در کوه در کشت است و بعد  
از انکه اراضی سملقان را سپراب نمود تا اواسط جلگه سملقان جاری میگردد و در اینجا  
بالی که از کوه شهاب که از شعب کوه لاداغتیک یکی شده و رودخانه تشکیل یافته و چشمه  
سارها حوالی رودخانه نیراب فرود در انتهای جلگه سملقان از در بند گذر گشته  
داخل جلگه مانده که حد غربی جلگه بجنورد است میشود و اینجا که سپراب کرده بقیة ان  
از مقابل کوه دوچنگ که از حد سملقانست جاری گشته در محلی قلعه معروفه پیش قلعه  
داخل رودانک و سمار میسوی

اب دیگر که تقریباً در نایب انک سنک میشود اب جرمقانست و از پیش فرود است که  
یکی از دامنهای کوه لاداغت جاری شده باسپای درمخان آمده منارج جرمقانرا  
که عبارت از ارضی قلعه عزیز و امامزاده سلطان سپید عباس باشد سپراب کرده  
بعد از ان هم صرف زراعت بعضی اراضی جنوب شرقی جلگه بجنورد رسیده اگر چه چیزی  
از ان زیاد آمد داخل رودخانه عین اللطیف میگردد

آب دیگر که باب بازخانه موسوم است از کوه ان مشهد که در سمت مشرف جلگه بجنورد است  
از چند پرچم جاریشد مزراع قلعه جات واقع در کوه مزبور و اسیر آب نموده بفته  
ان باب معروف باب چشمه قلعه بکشد به مصرف زراعت مزراع بازخانه که داخل در  
جلگه بجنورد و در طرف مشرق است می رسد سر رشته قنات نیز در جلگه بجنورد  
جاریشد یکی مخصوص یار محمد خان سهام الدوله حکمران حالت بجنورد و یکی از صفت <sup>علی</sup>  
نرکان از ملا زمان معز الی و قنات دیگر فیض آباد است که از طرف جنوب شرقی از  
دامنه کوه سپاهان جاریشد در پانصد قدمی شهر و طرف ضلع شرقی افتابی میگردد  
این قنات از مرحوم جد رقیخان شادلو الیجانی بجنورد احداث نموده است

شهر بجنورد در تقریباً دو بیست سال قبل نولجان دویم از اجداد یار محمد خان سهام الدوله  
که ذکر نسب او بیاید بنا کرده و اولاد و نیا پر نولجان نایار محمد خان بر بنا و آبادی این شهر  
افزوده اند در فتنه حسن خان سال اول بجنورد خراب شده باز هم مرت و عمارت آن پرداختند  
این شهر که تقریباً بیست و دو واژه برج در ضلع شرقی دارد و دو واژه برج در ضلع جنوبی  
باد و برج طرفین در واژه بلی و بروج طرف شمالی برجهای ارکست که ذکر آن بیاید  
وضلع غربی برج ندارد و یار محمد خان سهام الدوله در این او آخر نیچاوشش ذرع بر تمام  
طول این ضلع افزوده و این عمارات ساخته شده است تمام دوره شهر پنجاه هزار و  
هفتصد و دو واژه ذرع میباشد و خندقی نیز در باروی شهر حفر کرده اند بازار  
شهر که پیش بدان اشاره نمودیم عبارتست از یک بابان و سبع طولانی که تقریباً در وسط  
شهر از شمال بجنوب امتداد یافته است شش باب مسجد معروفند در بجنورد هستند  
مسجد جامع مسجد بلا مسجد در واژه فوجان مسجد میان بازار مسجد در واژه کرکان

مسجد محله کلانتر و هفت باب حمام که حمام سرمرحومی و حمام ازادخان و حمام شهر  
جدید و حمام فرشباشی و حمام کلانتر و حمام میان بازار و حمام حاجی قبا باشد  
نیز این شهر دوازده محله است محله شهر نازه محله وسط محله دروازه گرکان  
محله مسجد حاجی محمدخان محله سلطان ساریان محله سر محله محله دروازه فوجیان  
محله شیخ محمد تقی محله حاجی ملا نفی محله حاجی ملا ابراهیم و چهار دروازه که  
دروازه مشهد و دروازه فوجیان و دروازه گرکان و دروازه وینله باشد  
فلغی در کتب بخورد که حالا بقیه از آن باقیست از آثار برج و باره معلوم میشود که شکلا مربع  
منظیل بوده و طرف طول شش برج و دو طرف عرض چهار برج داشته سوای دو  
برج طرفین دو دروازه که یکی رو بجنوب و دیگری رو بشمالست و همان دروازه فوجیان  
که ذکر شد طول آن از مغرب بمشرق و عرض از جنوب بشمال و مسافت هر برج با برج  
دیگر پنج قدم و محیط هر برج سی و سه قدمست عمارات حکومتی که مکن ابا و  
اجداد بار محمد خان سهام الدوله بوده اغلب در ارض و بعضی از آن رفیع و عالی و از آثار  
باقیه استحکام و جلوه پیش ازین از این بنظر میاید اما این او خراب و محمد خان سهام الدوله  
دو ابتدای ضلع غربی شهر که بطرف شمالست در محلی که باغ مرحوم پزدانقلی خان  
پدومعزی الب بوده عمارتی عالی بنا کرده و خیابانی وسیع بل چهار حدول ساخته  
که از در باغ مزبور شروع کرده و تقریباً هزار و پانصد قدم امتداد یافته و فی  
الحقیقه از مواضع منزله و تفریحگاه اهالی بجز نورداست عرض خیابان دوازده  
ذرع و در کنار حد اول آن انواع اشجار و سایه دار از قبیل بید و سفیدار و چنار و غیر  
کرده اند بعضی باغات دیگر نیز در حوالی شهر میباشند از جمله باغ دلکش است دو

طرف شمال شرقی جا که و شهر که مرزوم جعفر فلخان ایلیخان احدات نموده و چند  
 باغ در عرض یکدیگر در سمت جنوب شهر است از جمله یکی باغ امیر گویند خان است که  
 حالا از سلیمانخان پسر یار محمد خان سهام الدوله میباشد و یکی باغ حیدر فلخان  
 سهام الدوله و باغ علیمردانخان پسر نجفعلی خان و باغ فهار فلخان پسر نجفعلیخان  
 و باغ محمد رحیمخان و باغ ازادخان و باغ فرح افزا و علا و بهر باغات منوره باغستان  
 در سمت مشرق جلگه واقع شده که معروف بباغستان حاجی عبداللہ است  
 در جنوب بجنورد در دماغه نال عظیمی مشہد است معتبر در میان باغی مشہل  
 بر اشجار عظیمه قدیمه بسیار انمشهد با اسم سلطان سید عباس است بقعه و بارگاه  
 دارد که تقریباً در ازمنه و قرون متاخره بنا شده است بنای بقعه مربعیست مشہل  
 بر دیوان آزد و سمت عرض هر طرف و قسمتی بر قدم وار ارتفاع بقعه که منتهی بگنبد  
 میشود تقریباً در ذرع نسبت قبر این بقعه بقضای بقعه مثل نسبت قبر مقدس  
 حضرت رضا علیہ السلام بقضای حرم محترم که در خارج مرکز واقع شده در وسط  
 حقیقی و بر بالای صورت قبر صندوق چوبی مشبک ساخته و نصب کرده  
 شده است و کلیه در بنائی این بقعه و بنجاری صندوق چندار تکلف و وضعی نشانی  
 در زبرد و صندوق لوحی از سنک منسوبست که این عبارت در وسط سنک نوشته  
 شده (هدایه حرمت عظمیٰ پنا ساطع چند مؤلف کاظمی ثلاثی) و در حاشیه  
 سنک نوشته شده **الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی من بعدنا**  
**والحسین علیہ السلام** و چند لوح زیارتنامه از برنج و غیره در این بقعه هست و در  
 حوالی مرقد در فضای بقعه بعضی قبور است این بقعه را در دولت خاقان مغفور



در سال هزار و دو بیست و بیست و سه تعمیر یافتند کرده اند در پیرو بقعه از اطراف  
 قبور زیاد است در طرف مغرب بقعه متصل بقعه بجای ایوان عمارت سه فرسنگی است  
 که در آن قبور معارف این محل است در طرف جنوب هم سه قسمتی است که مقبره  
 معارفیست ثوابی قبور قدیمی ندارد ظن غالب آنکه مدفون در بقعه یکی از علما  
 این ناحیه است که سید موسوی بوده چند خانه دهقانی در طرف مغرب بقعه  
 وصل بیابغ است که سکنه آن ساداتند و این آبادی را هم امامزاده گویند  
 و از اماکن مشهوره اینجا پیرن پور است قصبه معنبری بوده است در شمال غربی  
 بخورد و لان و پرانت و از آثار اینده آن چیزی بجز خرابه ناری فلعه باقی نیست خود  
 این قلعه بر بالای تله مصنوعی ساخته شده بشکل مربع مستطیل که امتداد آن از  
 مشرق بمغرب است طول بقدم شخص سنوی الخلفه صد و پنجاه قدم عرض هشتاد  
 قدم باده قلعه در کمال استحکام و استواری بوده است فاعده دیوار شرقی بسیار  
 میشود و فعلا از اطراف بقعه دیوار باقیست و فطره بقعه در بانی و ذرع  
 نیم میشود آثار هشت برج در اینجا مشاهده شد و در طرفین در قلعه که رو بمشرق  
 و چهار دروازه اربعه و در وسط دیوارهای جنوبی و شمالی و ارتفاع آن که  
 این ناری فلعه بر بالای آن ساخته شده از سطح زمین جلگه تقریباً هفت ذرع میشود  
 و چند بعرض ده ذرع بر خاکریز باره و بروج محطس و حالا از سمت مشرق و  
 جنوب یکجا کنده شده و زراعت میشود و از دو سمت دیگر بقعه در یک ذرع از عمق آن  
 باقیست از اسنقامت خطجد و آن اربعه فلعه مزبوره و ستاوی دهنته مقدار باقی  
 از خندق و آثار دیگر محقق میشود که طرح بنا اینجا بدست مهندسی ماهر شده و از

قبل مبانی اهل بلوکات و آبادیهای دهاقین و امثال ایشان نسبت و از چهار طرف  
 ان بیوثات و عمارات سکن ساپراهای ان بنصب بوده است و آثار خانه های ایشان  
 نلال محفره منحصره فعلا بنظر می رسد حتی آثار دو برج هم که غالباً در طرفین دروازه ها  
 قصبه جات بزرگ و شهرهای مسور ساخته میشود حالا در اینجا موجود است که بانکه  
 بمضی عوام و شهور و انقضاً از زمان ودهور برای زراعت ان نلال را سطح و تسویه  
 کرده اند هنوز باقیست که دلیلی بر کیفیت احاطه بیوثات بر حصار نار بر قلعه تعیین  
 محل دروازه و برجین همین یار از آنها میتوان انتراع نمود علامت نهری خراب نیز در  
 سمت جنوب موجود است الحاصل بیرون پورث از بنیة عشقته اینسر زمیر است و  
 موافق حدس انکه بعد از ویرانی این آبادانی بجنورد ساخته شده و اسلاف سکنه اینجا  
 بجنورد میاید که در اینجا می نشینند و اینجا در ان عهد کهنه کند میگویند یعنی  
 فتره کهنه و از اقوام مردم این نواحی چنین مسموع میشود که آبادی بزرگ خراب شده  
 از جوهر لفظ مضاف و فاعل ان از مضاف الیه است بناط میگردد که این بیرون غیر بیرون  
 سبستانیت

اماقراشیکه در ظاهر جلگه بجنورد و اطراف شهر دیده میشود از اینقرار است علی آباد در  
 شمال جلگه دارای پنجاه خانوار با نخجی که در شمال شهر و جلگه در دامنه کوه بابا موسی  
 چهل خانوار است که فیما بین شمال و مغرب و اما مزاده پایپری در اینجا مد فونست که بقعه  
 دارد قشلاق بنانو که در مغرب جلگه واقع و اهالی بیدک در زمستان در اینجا قشلاق  
 ایند و بیدک قلعه است فیما بین جنوب و مغرب حصارچه معروف بزان قلعه  
 کلاته میرزا محمد حصار شهر علی بیک واقع در جنوب غربی جلگه اما مزاده سلطان

سپند عباس سابق الذکر فلعه عزیز که صد خانوار جمعیت دارد فترت جزانلو و  
این شهر آبادی در جنوب جلگه واقع شده فترت باز خانه که صد خانوار ساکن دارد و در  
جنوب شرقی جلگه است فترت رسمانلو برج الانلو بنی قلعه و این شهر قریب در مشرق  
جلگه واقع است فلعه حسن علی خان که در کنار راه بابا امان و دهنه اسپت که رود  
عبر اللطف از آن از جلگه بجنور در خارج میشود حسن علی خان بانی این قلعه از خانزادگان  
طایفه شادلو بوده است کلاثر معصوم آباد فلعه باقر آباد که در طرف شمال شرقی  
جلگه و کنار چنی است که در دامنه کوه بابا موسی است

و سایر قریای بجنور که بعضی جزو سملقان و برخی از زمانه و غیره است زفر از ذیل  
مبایند

شاه آباد بیار اشخانه کزک دربند فلعه ملاحسن فرامصلی فلعه بنجف  
فلعه خان مهمانک کسانک گلزار فاضله شهر آباد درکش کپکانلو  
پیش قلعه برج زنکالو الله داد خوکے محمد آباد حصه کاه چشمه گاو  
اسفیدان کلاثر بازاره سمندره کشک آباد فلعه افچه ها فلعه  
اسنادها کلاثرین فلعه چائی فلعه اخلو فلعه دنکل جرمخوان  
قارلق فلعه مصر فلعه سب فلعه حقو فوج فلعه بند بجنور اونیته  
عبدل آباد فلعه خان بندی سوروک نخت آباد فلعه فردانلو

طرف جنوب و جنوب غربی بجنور در جاجرم و چارده سنخا و سمت جنوب شرقی  
اسفراین و جوین و جغتای طرف مشرق و شمال شرقی فوجان و سمت شمال و شمال  
غربی آنک و اخال و مغربان محدود و منتهی بگریگان و انزک و بموت میگردد

اهالی بجنورد گویند در محلی که قلعه عزیز و امامزاده سلطان سید عباس واقع  
شد شهری بوده موسوم به جرمقان در کمال بادی بنشهر دامغول در غلبه برخاسته  
خراب کرده اند و در اراضی آن حالا مسکوکات کهنه و خرده فلز و شکسته ظروف  
پافت میشود هوای بجنورد در کمال خوبی و اعتدال و اراضی آن حاصلخیز و میوه ها  
درختی و زمینی همناز دارد از جمله یک قسم سیبی است که در اصفهان آنرا سیب کلاب  
گویند و گویند که بعد از اصفهان این قسم سیب مخصوص بجنورد باشد و اگر در آن  
بلاد دیگر پافت شود باز بند و بست

در این نواحی یعنی بجنورد و شیروان و قوچان و مضافات حیوانی وجود دارد قدری  
از مورچه نیز که گران با رنگ سفید و در طرف از کلفت و سپاه اینچوان تماماً استخوان  
و موسوم به **دلمک** (سورخ کنند) اینچوان <sup>شد</sup> گزند است و در جاهای خشک پافت  
میشود هر کس را گزند در عصبانیت پیدا میکند و سخت است اما مملک نیست  
**ذکر نسب ایلخانها و حکمرانان مجنوبی**

جد اعلی این سلسله قوچی پوسف بوده که شاع عباس و راحا کم اگر طایفه شادلو  
کرد بعد از او پسرش بنجفعلی بیگ بجای پدر برقرار شد و بعد از او پسرش امیر کونز بیگ  
بعد نولخان بن امیر کونز بیگ بعد جعفر قلی بیگ بن نولخان بعد بنجفعلی بیگ بن  
جعفر قلی بیگ پس از آن ابراهیم بیگ بن بنجفعلی بیگ بعد از آن جعفر قلیخان پسر  
ابراهیم بیگ پس از او بنجفعلی خان بن جعفر قلیخان بعد نولخان بن بنجفعلی خان پسر آنرا  
ابراهیم خان پسر نولخان بعد از آن بنجفعلی خان ایلخان پسر ابراهیم خان که خان قار خلد  
اشبان فخر علی شاطاب شاه او را ملقب با ایلخان فرمودند و بعد از او جعفر قلیخان پسر

اير لقب و ابا حکمرانی بجنورد یافت و اعلی حضرت همايون شاهنشاهی (ناصرالدین شاه) دام ملکه منصب مهربانی با و عطا فرمودند و در انوقت حکومت ستراباد جزو بجنورد بود بعد از جعفر قلنجان حیدر قلنجان سهام الدوله بر بنجفعلنجان حکومت یافت حیدر قلنجان و جعفر قلنجان و بزوانقلی خان برادر بودند بعد از حیدر قلنجان پسر محمد خان سهام الدوله بن بزوانقلی خان حکمران حالته بجنورد که جامع صفات حسنه و مکاره اخلاق میباشد جای عم خود بگرفت خوانین مذکوره همه در زمان خود بر شادت و شهامت و بزرگی معروف بوده و خدمات نمایان بدولت جاوید شوکت علیه نموده اند

### عنا حالته بجنور

یکی از فحول علمای بجنورد جناب فاشیح محمد تقی مجتهد میباشد که در مشهد مقدس ساکن و در علم و فضل و زهد و ورع بگانه و منفرد هستند جناب حاج ملا تقی که فریب لاجتهاد و محل وثوق اهل میباشد جناب فامیرزا بابای ستخانه که عالی و معتر و پیش نماز است جناب فاسید رضای مجتهد که منصب قضاوت دارد جناب فامیرزا حبیب الله که عالی فاضل و معمر و محل رجوع امور شرعیه است فاختوند ملا علی اکبر متجم باشی که در فنون ریاضی خاصه در نجوم بدی طویلی دارد فاختوند ملا عبدالله ملا باشی

بجنورد قدری پست تر از فیروزه است از بجنورد که بطرف فوجان حرکت کنند مثل اول نوده میباشد و راه تقریباً از مغرب بمشرق و چهار فرسخ است و تا بکفر سیخ ازنه رود خانه عبور میکنند و در عبر اللطف و در جرمغان و رود باز خانه که زیادتر

ابابندور در خانه چنانکه پیش ذکر شد به باب عبر اللطف ملخوش از دهنته موسوم  
به بابا امان بجله که مخوان (جر مخوان) رفته از اینجا باب سمار داخل میگردد پس از طی  
قدری مسافت در طرف دست راست جاده فریقه هموت باهمید است که چهل  
خانوار گراپی و شادلو در اینجا سکنی دارند قدوری که از اینجا گذشتند دره چناران است  
که تقریباً هزار ذرع عرض از مپ باشد در این دره در دامنه کوه غربی فریقه ایست  
موسوم به فثلاق که سکنان نیز شادلو و گراپی و هشتاد خانوار مپ باشند قدری  
از فثلاق گذشتند در طرف شمال دره و در دست چپ راه فریقه کوه کمر است که  
باغستان معنبری با هر فم پیوه حتی پسند و اینجا دره مپ شود بعد از آن چشمه  
کالنگ است و در نزدیکی آن چمنی است معروف به النک پورت پس از آن در طرف  
یمن راه دره طولی است که در آنهای آن فریقه بیغوم مپ باشد این فریقه در دامنه  
کوه سخنی است که مشجر یا شجار او رس مپ باشد و چشمه از دامنه کوه منور جاریست  
که این فریقه و دره را سرباب مپ سازد و در بالای کوه اما مناره ایست موسوم بشاهزاده  
سلطان ابراهیم از محاذی ابندور که گذشتند دره که خط راه در آن واقع است و سعت  
یافته در طرف دست راست راه در آن دره روی نلے سنگی قرینه چناران  
بجور است که باغستان آن تا کنار راه منبسط مپ باشد این دهکده دارای هشتاد  
خانوار سکنه شادلو و گراپی و حمام و مسجد و حسینیه است و در جنب قریه از زبر  
سنگ در آمدند اینچ شش ذرع شرف سنگ اب سرد کو را خارج میشود  
چنار عظیمی که از غرس آن ناکون بیش از دو بیست سال است بر سر چشمه دیده  
میشود و چنار دیگر نیز در نزدیکی است که بهین جهنم پنجمه و دهکده را چشمه و قرینه

سواران میگویند آب چشمه چناران با آب نوده که بعد ها از کوه می شود یکی شده  
 چنانکه اشاره نمودیم بگر مخوان رفتن بتمار ملخو میشود در چناران سلسله کوه شمشک  
 و سوم باجان و سلسله جبال جنوبی او مشهد است که چون از چناران گذشت  
 امانه از افزای می نامند و پشت فزای اسفراین است نیم فرسخ از چناران گذشته  
 نریه نوده است که یکی از فزای ربعه بلوک چناران می باشد و زیاده از دو لیست  
 خانوار آبادی و یک باب حمام و دو مسجد و دو حسینیه دارد و در خانه نوده از سه  
 چشمه تشکیل می یابد که اینچشمه ها از دامنه او مشهد جاری می باشد ارتفاع نوده  
 مثل بجنورد است

نوده که حرکت کردند غالباً بشیروان میروند گاه هم در یکی از اماکن و فزای بپن  
 اه منزل می کنند چنانکه در این سفر منزل زوارم بود راه دو فرسخ و از مغرب بمشرق  
 در جلگه واقع پس از طی یک فرسخ راه کوه فزای واقع در شمال که در دست چپ راه است  
 بانتهار سیده و رشتنه کوه دیگر موسوم به افزای داعی بدان می پیوندند قدری که  
 ز اینجا گذشتند دامنه کوه طرف مقابل معروف به فزای که در سمت جنوب و  
 همین راه است نیز بانتهار سیده دامنه دیگر از کوه او مشهد مشهور تیخت می باشد و  
 میشود باز قدری که راه پیوندند می رسند بقریه کوچک شوره که در دست چپ راه  
 واقع و تقریباً ده خانوار سکنه دارد و اینقریه حد و فاصل خاک بجنورد و فوجانست  
 و جز این دهکده امر و در طرفین راه هیچ قسم آبادی نیست اما زوارم که بمعنی دره  
 رم است دهکده است معتبر که از غرب و بومی چهار صد خانوار سکنه دارد <sup>مها</sup>  
 ترک فزای و از فارشی قزلی مر و آمده اند و اصلاً ترک می باشند و باب مسجد

بک حمام و دو کاروانسرای قافله انداز در این آبادی هست و در میان آن نپه است  
مصنوعی که در قدیم با آن فلعه بوده و آثار آن لان موجود است و خانه های آبادی  
حالت دور و نپه ساخته شده است اب اینجا از چشمه سار است و یک فتره حاصل عد  
این صفحات بر لشم میباشد و ارتفاع زوایم مثل طهرالنت و هوای آن در کمال  
خوب میباشد

شهر  
با قصبه خرابی که  
در بالای سر بقیه  
شهر طرحی دیده میشود  
کثیر از شهر چنانچه بود و  
ظهور خرابی که میتوان  
گفت زیاده از در و بسند  
سال که رویا کند گذشت  
و چیزی که باقیست بقیه و  
آثار محض است و در این  
آبادی که از این فوات است با  
انحصار شهر بالای سر این شهر  
در هر شمال شرقی بالای شهر  
و در کما هو فی غیر این است  
در میان این شهر و حالت این  
و بنگار و نامور شده  
لحاظ شکل معینه ندارد و در  
این قلعه نظیر سایر است  
با دو هزار و پانصد ذرع  
مستطوری است و در میان  
و کما حال است و بنگار  
با اینست و در قلعه در اطراف  
کثیر از زمین و مزارع است  
و در هر وجه خشک است  
در وسط قلعه دو تار  
مشرب کشیده شده و فلا  
مثل سایر دیوارها باقی است  
و در میان این دیوار بر وضع  
سطح زمین را پیکر کرده اند  
آثار عظام خانه شهر است  
آن که در در خاک است لان  
موجود است و در اصطلاح  
مندان را میگویند آثار  
حمام نیز موجود است بینه  
اینکه آثار و قریب است  
نابیناها را گویند این آباد  
که در اصل شهر طرحی بوده در بالای سر این اما مزاده در طرف شمال بقیه بوده  
و مؤید این قول آثار شهر یا قصبه است که در محل مزبور دیده میشود بعد ها از بابت  
اب و مکان این آبادی نقل بیشتر نپه که در طرف جنوب غربی بقیه واقع است  
نموده و آبادی اینجا و بانهدام گذاشته است و مشدرفی حالت در ای شصت هفتاد

از زوایم که غربت شهر و آن نمایند خط راه از مغرب به مشرق و فیمابین دو کوه است  
که اغلب از هزار ذرع الی دو هزار ذرع فاصله بین جنبه است نپه فرسخ از زوایم  
گذشتند در طرف پار و راه بقیه معروف بمشهد سلطان محمد رضا میباشد و آن  
بنائست از اجز و کچ و خاک مشتمل بر ایوان و دو طاق که در جنب این ایوانست و بالای  
طاق طرف همین بالا خانه آباد و قریب آن بالا خانه خرابی است و در پیرو بقیه ایوانچه ها  
برای مسکن عابرین هزار داده اند اصل بقیه مربع متساوی الاضلاع و ارتفاع بقیه که  
منتهی بکنبدی میشود هشت ذرع است بالای قبر صندوف چوبی مشبکی است که  
در سال هزار و دو است و هشتاد و چهار ساخته شده و در صندوف سلام و  
صلوات و اشعار چهارده معصوم منسوب بشیخ بهائی علی الرضی ناخر کتبه شده است  
در نزدیکی اما مزاده بعضی اینار و خانه سید منوچهر است از هزار مذکور فتره مشدرفی  
که در اصل شهر طرحی بوده در بالای سر این اما مزاده در طرف شمال بقیه بوده  
و مؤید این قول آثار شهر یا قصبه است که در محل مزبور دیده میشود بعد ها از بابت  
اب و مکان این آبادی نقل بیشتر نپه که در طرف جنوب غربی بقیه واقع است  
نموده و آبادی اینجا و بانهدام گذاشته است و مشدرفی حالت در ای شصت هفتاد



خانوار سکنه و باغستان زباد است و اما مزاده مذکور بقول مشهور برادر حضرت  
امام رضا سلام الله عليه است ولي سندی الی الان در این باب بدست نیامده است  
نیم فرسخ که از اما مزاده گذشتند جلگه وسیع شد در طرف دست راست دور  
از خط راه قرینه و زمفانست که بر جلیان واقع شد و جلیان چون از اما که معبر مشهور  
بوده از و مادر پنجل ذکر می زان باید نمی

الجا  
کویند سکتا  
مخو خوار و بخارالم  
خواب در بید که اما مزاده  
دو اینخامد فونست  
علامت محراب معلوم کرد  
و این بقدره را ساخته و  
املا از بلاد بران رفعت  
نموده و فرمان بان پادشاه  
و فرامین سلاطین صفت  
در باب بقعه و موقوفات  
ان و قولیات  
موجود  
سک

پوشیده نباشد که جلیان مغرب کیان و از اعمال شهر وان من بحال فوجانست و دور  
دره سختی واقع شده که معقل و محکم طبعی با استحکام است همین و بسیار دره که طرف  
مشرق و مغرب میباشد جبال شامخ سنگی است و بنجط عمودی مشابه دیوار است  
که از یک تخته سنگ ساخته باشند بلند شده انسان بلکه هیچ حیوانی جز پرند  
نمی تواند از کوه دو طرف بالا رود سمت جنوب پند و قلعه چار برجی بنا کرده اند  
و معروف بقلعه موسی خالست این قلعه دهند و اگر از سمت کوه و اسفر این میامده  
حفظ و نگهبانی می کرده بالای دو کوه مشرق و مغرب از هر طرف بفاصله هزار الی  
هزار و پانصد ذرع سه برج ساخته شده دهند طرف شمال پند و که منتهای  
باغاتست معلوم نیست که بچه واسطه محفوظ بوده قلعه داشته باشند باینکه برجی بسته  
شاید اسباب حواسنی داشته و همروا تا از ان محو و نابود شده هم کن بقصص چیزه  
بدستاید منتهای عرض پند و پانصد ذرع و منتهای طول ناید دهند که انتهای  
مزارع و باغاتست ربع فرسخ میباشد و دارای د و آبادیست یکی از ان د و آبادی  
دوانتهای جنوب در ز پر قلعه موسی خالست و اگر در پهلو انلو که یکی از قبایل نلو  
میباشند در آن سکنه دارند و تقریباً پنجاه خانوارند در اغلب خانه های انها

چشمه های کوچک است که آب صاف گوارا دارد آبادی دیگر بفاصله پانصد فذ  
 و در طرف شمال دره است و زیاده از صد خانوار سکنه دارد یک حمام دایر و در  
 مسجد تک و یک مدرسه در این آبادی هست اهالی و سکنه اینجا فارسند این  
 دو آبادی موسوم بجلپانست بعبارۀ آخری یکی جلپان علیا و دیگری جلپان سفلی است  
 آب رودخانه که از جلپان جاریست و بطرف شیروان روان می باشد و در زمستان از  
 سراب می آید منبعش فزنی اصطخریست که مسافت آن تا جلپان یک فرسخ و در طرف  
 جنوب شرقی آن واقع است یکصد خانوار ترک فارسی فزنی در اصطخری سکنه دارند  
 تمام آب رودخانه جلپان در اواسط نایبستان ده سنک است آنچه اهالی این نواحی  
 گویند جلپان شهر بزرگی بوده و هفت حمام داشته و آثار و آثار آن زمان حمامها باقیست  
 در بعضی قبایلها و اسناد قدیم می خورد و مانده و سملقان حتی اسفرا این را از نواحی  
 جلپان می نوشند و جدا <sup>جلپان</sup> آن حاکم کشین پاپین و لایب و فوجان حاکم کشین با لا  
 و لایب بوده است در جلپان سفلی مفره و بفعه معتبر است معروف بمفره بابا توکل  
 وسعت بفعه شش مزدورشش متر و ارتفاع آن تا زبر طاق هشت ذرع بشایدن عمارت  
 از سنک کوچ بوده و بنه از اجر و صندوق چوبی داشته داشته که در یکی از زلازل خرد  
 شده است صورت قبر با ارتفاع سه چارک باقیست از فرار معلوم بابا توکل از مشایخ عرفا  
 و مرناضین بوده رباعی مسطور در ذیل در توصیف او در این نواحی مخصوصاً

معروفست

هم کان مرقین و هم برهانے      هم دست و لایب و هم سلطانه  
 مشهور نری ز افناب ثانه      قطب دو جهان توکل جلپانه

گویند این را باغی در خانه کعبه اجلا الله تعالی مسطور بوده است در شمال قبر بابانوکل

امیر شمس الدین محمد بن امیر نظام الدین و بیک مدفون بوده سنک و فرزند اهل الاز

نیراوارفته بقعه خراب بیرون آورده شنه و پاک کرده بر فراز قبر بابانوکل نصب

کرده اند سنک مزوره سر سپاه بونک شبه و شکلامرغ مسطبل و طول آن

کتر از یکدفع و عرض نیمدفع و یک سطح فوقانی و چهار سطح اطراف و چهار سطح دامنه

دارد و مپاشش بچوشت و درجاری و نقاری وجودت خط نهایت ممانا است

در پهلوئی سمت مغرب سنک و پهلوئی طرف مشرقا پنجبارون کتبه شده است

(هذا الرفد بپرده المرحوم البر والواصل جوالله الملك الصمد شمس الدین محمد علی بن محمد

المرتضی بن محمد امیر نظام الدین بیک طوع عمره) روی سنک بخط ثلث خوش نوشته

(المرتضی علی محمد الصیغه وصیك علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی

بکر الصیغه علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی

علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی علی المرتضی

علیه) در وسط نوشته (الحمد لله تعالی) رباعی مزبور در ذیل در پهلوئی سمت

و جنوب سنک نوشته شده است

ایحاک که در دین کوه داری در سینه نهان مهر نور داری

زنها که همچو جاعز پیش میدار کانیجان جانش که در داری

اشعار ذیل نیز در حاشیه دامنه سنک مسطور است

ناریخ سال نهصد سی بود کفرضا شد نور چشم عالمی از دیده هان نهان


شمعی که بود بزم سر روشن از رخس در پیر هر کسید سر خویش ناگهان

درد  
کشت خنجر و فاش  
سب از احوال امیر و بیک  
تصفی اکید و نفع شدید  
بعل مدد مکرر و خلد  
انبار که شمس الدین محمد  
بد سنک بد و حاصل تیغ  
و نقاشی که در حدود  
نصدا همی که در زمان  
سقوط و فرود و کمال  
تموی است امیر و بیک  
زای از امر نیز به عمل آمد  
سلطان محمد بن بیک  
با امر بوده را بدایت  
استیلا سلطان مسطور  
الضرب محمد خان ملک  
خراسان خدمت های  
شایان نموده و از جهود  
امیر امیر ملک خراسان بود  
سوک و فطرا استعانت  
داشت هانا از مقام و از  
والفاسامارت کرد و سنک  
نقش و انصاف جلیان  
بملک خراسان چنین  
استظهار و برود که این  
شمس الدین محمد پسر همان  
سردار مشهور و امیر مذکور  
بوده باشد اگر چه بنظر بعضی  
انهدام بر و بیک مزبور  
بلف مبارز الدین میاد  
مکنند و این نظام الدین  
نوشته شده و مخصوصا  
مصد در زیاد از بیک  
موقع امیر نظام الدین و بیک  
نصیر کرده و بیک جوانمرد  
از انصاف بدو منزه  
و فرزند انصاف با احتیاط  
اهل انشا و ارباب نوارنج  
اختلاف هم میسر آیند و از  
فصل انصاف در نوشته  
از انصاف فارغ از انصاف  
و استناد خواهد  
بود و انصاف  
الضرب

عالم جناب میر محمد که رفت پاک  
مانند قدس با جناحان  
دو آخر الزما چو دژ آمد بکم غیب  
از غیب ماده اش آخر الزمان

اما رزمقان که بدان اشاره نمودیم بعقب امانی دراصل رزم مکان بوده یعنی جلای  
رزم و در هر حال این فتریه بیست خانوار سکنه دارد و خط راه از اینجا بطرف شمال  
منحرف میگردد و پس از ربع فرسخ در طرف همین راه فتریه نلسوانست که پنج شش سکن  
اباز چشمه دارد و قلیل ابی هم از رودخانه جلپان به نلسوان آمده بجانب شهر و  
میرود ضد خانوار از ایل کرد سپه و انلودر نلسوان اما کن بیلائی و فشا لائی دارند اما  
شهر شیروان فضا بزرگ است که فتریه با هزار و پانصد خانوار سکنه و قلعه دارد  
مشمول برچهل برج که فاصله بروج مختلفست یعنی از شصت ذرع الحصد ذرع  
میباشد و دوره بروج از چهل ذرع الحصد ذرع و ارتفاع بروج از شش الی  
هشت ذرع است دور حصار خندقی بوده که حالا آثار آن پدیدار میباشد  
شهر شیروان دو دروازه دارد دروازه قوچان که رو به مشرق است و دروازه اراک که  
رو به قبله باز میشود و حمام آباد و یک حمام خراب در شهر و اربست با چهار مسجد  
یک حسینیه که حالا خراب است یک پنچال دیوانی و سه پنچال رعیتی و صد و پنجاه  
باب دکان برآزی و عطاری و بقالی و صباغی و فلیندی و کفش دوزی و نجاری  
دارد در طرف مغرب شهر در داخله بلد نپه اربست مصنوعی که نار بر قلعه بلد  
بوده و ارتفاع آن از سطح شهر بیست و پنج ذرع و فتریه از بالا از طرفی صد قدم و  
از طرف دیگر هشتاد قدم میباشد از عجایب آنکه در هر آبادی که از این قبیل نپه  
بافت شود در آنهای مغرب باد اربست کوه طرف جنوب شهر موسوم بقراول

چنگه ویش فارداش و بهلوی فراول چنگه در طرف مشرق کوهیست پست که انرا  
 اغرف پوقی مینامند پائین از کوه اغرف پوقی کوه چقماق ویش اغرف پوقی  
 کوه بلند موسوم بشاهانست کوه طرف شمال شبروان معروف بکوه بغی است که  
 فرای سکه و بفرج که در اصل باغانست و فریث بغی در زیر این کوه میباشد در طرف  
 شمال مابل بجنوب سر کوه منحصر است موسوم به اوج فارداش که بالای ان اما ندره  
 و در زیر انچشمه معروف بقرفزان میباشد رودخانه شبروان که از سمت جنوب  
 شهر میگذرد سرچشمه ان از نزدیکی در کنه وادکان از بهلوی قلعه اَبک و تبرک است  
 و در فصل بهار تقریباً بیست سنک آب دارد و در پائین کوه در تابستان غالباً  
 سه ماه خشکست و در زمستان بعضی از سالها طوری بخی میبندد که از روی ان  
 عبور میکنند بنزد خانه داخل رودخانه اترک میشود و بدریای خرمی نزدیک فرای  
 معبر شبروان الله آباد است که چهار صد خانوار سکنه و باغات زیاد دارد و در  
 وسط قلعه الله آباد بقعه ایست که معروف بشیخ مقدم میباشد ابتدا اسم الله آباد  
 کلاهون بود چون الهو پرده خان زعفران و عموی امیر حسین خان شجاع الدوله حکمران  
 فوجان بنجد بد عمارت ان پرده خان انرا الله آباد نام داده است یکی دیگر از فرای سکه است  
 که در سمت شمال و تقریباً در دامنه کوه واقع و صد خانوار سکنه دارد فریث دیگر  
 بفرج که ان نیز دارای صد خانوار رحمت و باغات زیاد است دو دهکده دیگر  
 موسوم بقلعه چرو قلند را با با است دیگر همنما که فریث قدیمی و از فرای تقریباً هالی  
 کبر نشین بوده انفریث در دده واقع و رودخانه از ان جاریست که اب ان از بالای سر  
 قلند را با در بان بافته بکار زراعت میبرد دیگر قلچواست که ان نیز میان در دده واقع

درودخانه ازان دوه جار پشه يك ثلث ابان در جنب شهر وان در زمين موسوم  
 به يك بكار و مصرف زراعت مپرسد و دو سهم ازان اب بقلعه زيارت مپروود  
 قلعه زيارت قلعه ايت معمور و شمال بر چند حصار و بغير قلعه كوچك كه هر يك  
 پنجاه شصت خانوار سكنه دارد اما مزاده در زيارت مدفونست مشهور و بجزه بين  
 موسى الرضا عليه السلام كه بغير چوبى دارد بادوسه طاق جري زيارت هزار و  
 پانصد الى دو هزار باغ دارد و مسافت ان نا شهر نيم فرسخ و ما بين شمال و مغرب  
 واقع است فزاي طرف مغرب شهر و از نيكى جبهن اباد است ديگر بوده ديگر عبدالباقا  
 كه هر يك صد خانوار سكنه دارد و رضا اباد كه داراى سه خانوار رحمت است دهات  
 طرف مشرق شهر وان تابع فوجانست و آب دهات مزبوره اكثر از درودخانه و بعضى  
 از قنات و قناتى از چشمه است قنات شهر وان منحصرا بر ريشه است كه هر سه از  
 شمال بجنوب جاريت نمى زمينان شهر شهر وان جريان دارد كه اصل ان از قنات  
 ميباشد وضع شهر اينست مربع منطبل بوده و اسطالان ان از مشرق بمغرب و بعد  
 دو طرف شمال در نصف اكثر از طول شهر قدرى افزوده شده است و اينك شهر  
 بد پيشه كل است  در حوالى شهر ميبلى است كه در فصل  
 بارندگى از ان ميبلى سيل جار پشه اكثر باغات شهر سراب مبنمايد بعضى گويند  
 شهر شهر وان خيله قديمى بوده بعد از انكه قبا و طوييف كرد كه زعفرانلو و شادلو و  
 كاوانلو و خوردده او بما و ناستند تفرياد و بيت سال قبل خبوشان را مجددا اباد كردند  
 مد نيت بيشتر باين طرف مبل كرد و شهر وان تابع خبوشان شدولى ظاهر ان بقول  
 ضعيف باشد حاصل ابريشم در اينجا و فورا داشته حال الاكشده ارتفاعات شهر وان

فله و حاصل باغات و صیفی کارخان خرمیزه و هندوانه و پنبه و غیره میباشد  
اثر فدیله از الواح و غیره در این شهر نیست و یونانان بعضا شبیه است دور از  
شیراز قبرستان بوده و آثار قبر کبری دیده شد عمای حالبه شیراز حاجی ملا  
عبدالله فوجانی الاصل و حاجی ملا محمد و حاجی محمد علی

(طایفه ملانلو می کرد که هزار خانوار ابا و پاشا باشند و کوهستان شاهی است که  
دارند و چند قلعه این طایفه است که اسمی آن قلاع دولت آباد و قاسم آباد و پیران  
عباس آباد و نوشیران و اردقان و بیدواز است و قلعه آخری در دره و  
وازمیان ندره رودخانه از قلعه سرچشمه جاری و بطرف میان آباد اسفل پیران  
ولی طایفه ملانلو و ساکن آنهاست و فوجانست دخانی شیراز ندارد) ارتفاع  
شیراز مثل ظهر است و راه از زوارم تا شیراز سه فرسخ میباشد

از شیراز که بطرف فوجان حرکت نمایند غالباً بزرگ باد میروند راه سه فرسخ و از  
مغرب بمشرق و در جلگه است که بکفر سخ عرض از می باشد تقریباً بعد از طی یک  
فرسخ راه در طرف دست چپ جاده فریته امیر آباد شجاع الدوله است که پانزده خانوار  
سکنه دارد و البت از قبالتش از این فریته گذشتند در این طرف راه آبادی دیده نمیشود  
مگر بعضی فزای شیراز که در دامنه کوه شمال است و ذکر آنها در شرح شیراز  
شده است و در سمت دست راست دور از راه فریته دو پناست که تابع فوجان  
میتباشد و صد و پنجاه خانوار سکنه دارد البت از چشمه و پنه مصنوعی در این  
دهکده است فریب با سندها و واقع و قدری کوچکتر از نل مصنوعی شیراز و  
بالای نل مثل نل شیراز است و دوران سطح چند سال قبل یوار کشتند

بزرگ آباد صد خانوار جمعیت دارد و آبش از قنات و از رودخانه که از فوجان میآید  
در مقابل بادی بزرگ باد اثار فلعه بزرگ مرتعیست که اهالی آنرا کرتی میگویند  
علام بر وجه در اینست و اثار بادی یافت میشود از ارتفاع اینچنانیز با طهر امت  
ساویست

از بزرگ باد که حرکت کردند منزل فوجانست و راه پنجم فرسخ و از مغرب بمشرق  
رود جلگه وسیع میباشد که زیاده از یک فرسخ عرض دارد و طول آن زیاده چنانکه  
فوجان هم در همان امتداد خواهد بود بعد از پنجم فرسخ راه در طرف دست راست  
قدری دور از جاده فرتی فیض آباد است که تقریباً سی خانوار بادی دارد و آبش از  
رودخانه ایست که از فوجان میآید که شاهجهان در طرف دست راست راه و  
زیاده از پنجم فرسخ از جاده دور است و زیر کوه شاهجهان فرای میوان و سکی و خرابی  
و سبادت و چهره و داغیان از دور دیده میشود نیز در همین طرف در نزدیکی راه  
شرقی بزرگ است که دارای پنجاه خانوار سکنه و آبش از قنات میباشد در طرف دست  
چپ راه که سمت شمال باشد بگرشنه کوه نامحاذی بگرگشیده است که آنرا ارمو نلو  
گویند و اصل آن امر و بلو میباشد بعد از آن روشن کوه دیگر است موسوئله نامی  
و چند هنر پرور و ز پر این کوه است از جمله پنجم آباد که زیاده از صد خانوار سکنه دارد  
و سعد آباد و خواجه آباد و جهان آباد که نازه آباد شده و گل بادام و حصار که پنجاه  
خانوار سکنه دارد و آن باغ که آبادی آن نیز بهند و حصار است و خوبوشان گفته که  
این نیز هکده است با صد خانوار و عیت و آب با دانه های مزبوره از قناتست  
پنجم فرسخ از بزرگ گذشتند در طرف پار و وصل بر راه فلعه خرابی است که از هر طرف



سه برج دارد باین معنی که هشت برج دور دره قلعه هشت و خند و معبره  
 دور دره و قلعه میباشد اینچاه را علی آباد خرابه گویند از بناهای رضایقلخان پدر  
 امیرچینخان شجاع الدوله که با اسم حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام  
 بنا کرده و وقتاً آنحضرت نمود چون اینقلعه قنات شد شده خراب گردیده است  
 قدری از علی آباد گذشته قریب بام است که وصل بچراغ لیل میباشد سکنه آن تقریباً  
 پنجاه خانوار و در نزدیکی از نپه مصنوعیست معروف بپام نپه اهلی گویند در پام  
 چاهی است معروف بچاه سعد و فاص که سعد و فاص را در او از جنک در اینچاه انداخته  
 اینچرف بنظر معقول میباشد از پام نپه گذشته چراغ لیل است که در این نواحی آنک لیل  
 میگویند و چریب پاروسه می است نیز در او ابل همین چمن دهکده کوچکی است  
 موسوم بغرفاب که بعضی باغ و لبانین دارد در این نواحی که مندر دهکده ایست که  
 باغ و لبانین نداشته باشد

پام  
 بر وزن لام  
 امیر گویند که در  
 هر فنیه بگازند تا  
 قاصدی که بر عت  
 در دران سوار شود  
 تا منزل دیگر برهانند  
 از همین وقتاً حضرت  
 معلوم میشود که پام نپه  
 از عهد مغول باین اسم  
 موسوم شده میگویند  
 پام بخور اسب چا پار  
 و چا پار خانرا  
 گویند

اینچراغ لیل که حرکت کردند بعضی تنه های مصنوعی دور از خط راه دیده میشود و  
 بی کفر سخ که از چراغ لیل دور میشوند قریب در خط راه است موسوم بمغزار بلدی سکنه  
 آن چهل خانوار و ایش از قنات قدری از آن گذشته در طرف بسیار راه آثار قلعه  
 خرابه نمودار است که نپه مصنوعی در وسط آن دیده میشود و آثار سی برج در اطراف  
 از نپه هست و اینقلعه را حکم آباد میگویند باز قدری که طی مسافت نمودند  
 قریباً اتر آباد است که خط راه از میان آن میگذرد و قریب پنجاه خانوار سکنه دارد  
 از اینجا گذشته باغستان فوجانست که اغلب وزستان میباشد  
 فوجان که در اصل جوشان بوده و مغول آنرا فوجان گفتند از شهرهای معبره گردستان